

بررسی عوامل اجتماعی بر گسترش و کنترل اعتیاد

چکیده

زمینه: اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر به مثابه یک مسئله اجتماعی، پدیده‌ای است که همراه با آن توانایی جامعه در سازمان‌یابی و حفظ نظم موجود از بین می‌رود و باعث دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در یک جامعه می‌شود. در جامعه امروز ما، مواد مخدر در سیمای یک مسئله یا مشکل اجتماعی رخ نموده است.

یافته‌ها: امروز نخبگان و نهادهای تصمیم‌ساز و تدبیر پرداز ما با نوعی فقر شناخت و ضعف تمهید و تدبیر استراتژیک و فقدان رویکردی فراگیر و همه‌سویگر و مبتنی بر «تعین چندجانبه» جستجوی علل و عوامل متنوع در پس این پدیده مواجه هستند. در نتیجه این فقر، ضعف استراتژی و تاکتیک‌های متاخذ برای مقابله با این تهدید، قادر به تأمین بهینه اهداف خود نبوده‌اند و جامعه ما شاهد رشد روزافزون گستره و عمق تأثیرات مخرب مواد مخدر بوده است.

نتیجه‌گیری: مبارزه با پدیده اعتیاد مستلزم شناخت همه ابعاد آن (اقتصادی، اجتماعی و...) است و جامعه ما با داشتن ساختار جمعیتی جوان، به شکل نگران‌کننده‌ای مورد تهاجم گسترده مواد مخدر قرار گرفته است. از سوی دیگر علی‌رغم دستاوردهای حاشیه‌مرزی که به قیمت رشادت‌های بی‌نظیر دست‌اندرکاران و شهادت بیش از ۳۳۰۰ نفر از رزمندگان و ۱۰۰۰۰ جانباز این عرصه به دست آمده، در داخل کشور با معضلات پیچیده‌ای روبه‌رو بوده‌ایم. از این‌رو ضروری است با بررسی علل اجتماعی مؤثر در بروز پدیده اعتیاد، زمینه‌های ظهور پدیده اعتیاد مورد توجه واقع شود.

واژگان کلیدی: اعتیاد، هنجارهای اجتماعی، مواد مخدر.

مقدمه

اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر به مثابه یک مسئله اجتماعی، پدیده‌ای است که همراه با آن توانایی جامعه در سازمان‌یابی و حفظ نظم موجود از بین می‌رود و باعث دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در یک جامعه می‌شود. در جامعه امروز ما، مواد مخدر در سیمای یک مسئله یا مشکل اجتماعی رخ نموده‌است. این آسیب اجتماعی تعداد زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و به طور روز افزونی در حال تعامل با سایر آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن به یک تهدید شالوده و ساخت شکن است. امروز نخبگان و نهادهای تصمیم‌ساز و تدبیر پرداز ما با نوعی فقر شناخت و ضعف تمهید و تدبیر استراتژیک و فقدان رویکردی فراگیر و همه‌سونگر و مبتنی بر «تعیین چندجانبه» جستجوی علل و عوامل متنوع در پس این پدیده مواجه هستند. در نتیجه این فقر، ضعف استراتژی و تاکتیک‌های متاخذ برای مقابله با این تهدید، قادر به تأمین بهینه اهداف خود نبوده‌اند و جامعه ما شاهد رشد روز افزون گستره و عمق تأثیرات مخرب مواد مخدر بوده است. مبارزه با این پدیده مستلزم شناخت همه ابعاد آن (اقتصادی، اجتماعی و...) است، بنابراین برنامه‌هایی در امر مبارزه با مواد مخدر موفق خواهند بود که با شناخت واقع‌گرایانه از این مسئله طرح و اجرا شود. چنانچه بپذیریم در جامعه‌ای با مختصات جامعه ایران بعد از انقلاب، امنیت هستی شناختی و وجودی (امنیت هویتی، ارزشی و هنجاری) مقدم بر امنیت ملی است، به طبع باید بپذیریم که مواد مخدر، فوری‌ترین و جدی‌ترین تهدید ملی این جامعه است. جامعه ما با داشتن ساختار جمعیتی جوان، به نحو نگران کننده‌ای مورد تهاجم گسترده مواد مخدر قرار گرفته است. از سوی دیگر علی‌رغم دستاوردهای حاشیه مرزی که به قیمت رشادتهای بی نظیر دست‌اندرکاران و شهادت بیش از ۳۳۰۰ نفر از رزمندگان و ۱۰۰۰۰ جانباز این عرصه به دست آمده، در داخل کشور با معضلات پیچیده‌ای روبه‌رو بوده‌ایم. از این‌رو ضروری است با بررسی علل اجتماعی مؤثر در بروز پدیده اعتیاد، زمینه‌های ظهور پدیده اعتیاد مورد توجه واقع شود.

۱. بیان مسئله

اعتیاد به مواد مخدر به‌عنوان جدی‌ترین مسئله اجتماعی ایران، وجوه مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوقی، سیاسی و... دارد. به اعتقاد تحلیل‌گران اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر، به عنوان یکی از مسائل پیچیده اجتماعی در عصر حاضر است که زمینه ساز بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر رابطه اعتیاد با مسائل اجتماعی ارتباطی

دو جانبه است؛ از یک سو اعتیاد، جامعه را به رکود و انحطاط می‌کشاند و از سوی دیگر پدیده‌ای است که ریشه در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد. اعتیاد گرایش فرد را به اصول اخلاقی و معنوی و ارزش‌های اجتماعی کاهش می‌دهد به طوری که آسیب‌شناسان اجتماعی، اعتیاد را به مثابه «جنگ شیمیایی خانگی» و «جنگ بدون مرز» می‌دانند. سازمان بهداشت جهانی مسئله مواد مخدر، اعم از تولید، انتقال، توزیع و مصرف را در کنار سه مسئله جهانی دیگر یعنی تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، آلودگی محیط زیست، فقر و شکاف طبقاتی، از جمله مسائل اساسی شمرده است که حیات بشری را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در عرصه جهانی مورد تهدید و چالش جدی قرار می‌دهد. ضرورت شناخت ابعاد و سطوح این مسئله اجتماعی زمانی عمیق‌تر درک می‌شود که بدانیم پدیده اعتیاد، متأثر از توسعه فناوری‌های ارتباطی و رایانه‌ای و باندهای مافیایی و دست‌های پنهان است و از چنان پیچیدگی‌هایی برخوردار شده که سازمان ملل متحد آن را از جرایم سازمان یافته تلقی و اقدام به صدور کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مختلف برای مقابله با آن (کنوانسیون‌های ۱۹۷۱، ۱۹۶۱، پروتکل اصلاحی ۱۹۷۲ و کنوانسیون ۱۹۸۸) نموده است. حجم گسترده تجارت و چرخش مالی مرتبط با قاچاق مواد مخدر در سطح جهان و نقش مافیای منطقه‌ای و جهانی این موضوع را بسیار قابل تأمل کرده است (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۷). کشور ایران به دلیل شرایط خاص و هم‌جواری با مراکز عمده تولید کننده مواد مخدر و قرار گرفتن در بهترین و کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت، در چند دهه اخیر گذرگاه انتقال مواد مخدر از افغانستان به اروپا بوده است. وجود زمینه‌های رشد و گسترش مواد مخدر در ایران و قاچاق آن که هم‌اکنون به یک تجارت زیرزمینی تبدیل شده است، پیچیدگی اوضاع فعلی را فراهم ساخته است و می‌رود تا به یک بحران اساسی در جامعه تبدیل شود. در عرصه ملی، کشور ایران به جهت ساختار جمعیتی، موقعیت ژئوپولیتیکی و فقدان استراتژی و طرح جامع ملی مبارزه با عرضه، کاهش، تقاضا و درمان معتادان، به‌عنوان یکی از آسیب پذیرترین کشورهای جهان در مقابل مسئله مواد مخدر است. گزارش‌های آماری حاکی از گسترش فزاینده اعتیاد به مواد مخدر در ایران است. به طوری که اعتیاد بعد از بیکاری و گرانی سومین معضل اجتماعی است. در مورد آمار معتادان در ایران، اعداد و ارقام مختلفی ذکر می‌شود، بر اساس آخرین اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر، یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در ایران معتاد دائمی هستند و حدود ۸۰۰ هزار نفر نیز به صورت تفننی مواد مخدر مصرف می‌کنند که البته با توجه به این که در همه جای دنیا تعداد افرادی که به صورت تفریحی و تفننی مواد مخدر مصرف می‌کنند بیش از معتادان دائمی است، اکثر کارشناسان به این آمار به دیده تردید نگاه

می‌کنند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۵:۲). بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که میزان خسارت-های اقتصادی - اجتماعی مستقیم و غیر مستقیم مواد مخدر و قاچاق آن در کشور سالیانه ۷۰۰ میلیارد تومان است (صادقی، ۱۳۸۲:۱۵۵) و به طور متوسط بر اساس آمار سالیانه حدود ۲۰۰ نفر از اعضای نیروی انتظامی کشور را در جریان مبارزات از دست می‌دهیم (رئیس دانا، ۱۳۸۱:۱۰۵). طبق گزارشات در سال ۱۳۸۲، سن آغاز مصرف مواد مخدر در ایران به ۱۴ تا ۱۶ سال رسیده است (توسلی، ۱۳۷۹:۹) و سالانه ۱۰٪ به تعداد معتادان افزوده می‌شود. رشد اعتیاد تزریقی ۳۰٪ است و این میزان تقریباً ۵ برابر جمعیت کشور است (عبدی، ۱۳۸۲:۱۳۵).

۱-۱. تعاریف و مفاهیم تحقیق

۱-۱-۱. اعتیاد^۱

در لغت به معنای عادت کردن و یا خوی کردن به چیزی است (دهخدا، ۱۳۳۸:۲۹۴۹). سازمان ملل متحد (۱۹۵۰) اعتیاد را این‌گونه تعریف کرده است: اعتیاد، مسمومیت حاد یا مزمنی است که برای شخص یا اجتماع زیان‌بخش می‌باشد و از طریق استعمال داروی طبیعی یا صنعتی ایجاد می‌شود. اعتیاد به مواد مخدر دارای سه ویژگی ذیل است:

- احساس نیاز شدید به استعمال دارو و تهیه آن از هر طریق ممکن.
- وجود علاقه شدید به افزایش مداوم میزان مصرف دارو.
- وجود وابستگی روانی و جسمانی به آثار دارو، به طوری که در اثر عدم دسترسی به آن، علائم وابستگی روانی و جسمانی در فرد معتاد هویدا شود (شهیدی، ۱۳۷۵:۱۵).

۱-۱-۲. معتاد^۲

معتاد فردی است که از راه‌های گوناگون نظیر خوردن، کشیدن، تزریق و استنشاق یک یا چند ماده مخدر را با هم و به صورت مداوم مصرف می‌کند و در صورت قطع آن با مسائل جسمانی، رفتاری یا هر دو مواجه می‌شوند (آقابخشی، ۱۳۷۹:۹).

۱-۱-۳. مواد مخدر

مواد مخدر شامل ترکیباتی است که موجب تغییر در کارکرد مغز به صورت ایجاد حالات هیجانی، رفتارهای نابهنجار، عصبانیت یا اختلال در قضاوت و شعور فرد می‌شود (محبوبی‌منش، ۱۳۸۲:۷۰).

^۱. Addiction

^۲. Addicted

۲-۱. ادبیات و پیشینه تحقیق

فرحناز صالحی جونقانی (۱۳۷۹) نیز در پژوهش خود تحت عنوان بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر اعتیاد، به این نتایج دست می‌یابد که اکثریت معتادان از وضعیت اقتصادی- اجتماعی پایینی برخوردارند. همچنین بین سطح تحصیلات والدین، میزان درآمد، میزان انزوا طلبی، میزان ناکامی در زندگی و میزان امید به آینده و اعتیاد رابطه معنی‌دار وجود دارد.

کوثری (۱۳۸۰) در تحقیق خود تحت عنوان «جامعه‌شناسی اعتیاد» در تبیین منشأ اجتماعی آن، زندگی در مناطق محروم، فقر شدید، خانه‌های مخروبه، خانواده‌های از هم پاشیده و سایر نابسامانی‌ها را منظومه عواملی می‌داند که باعث انحرافات رفتاری از این‌گونه می‌گردد و همچنین معتقد است که اعتیاد اثرات سؤ زیادی بر سطح خانوادگی افراد دارد. به عنوان مثال طلاق می‌تواند به‌عنوان یکی از نتایج همراه‌کننده اعتیاد تلقی شود.

منصوره حاج حسینی و مهناز اخوان تفتی (۱۳۸۲) در تحقیقی به بررسی «تأثیر سبک اسناد بر میزان گرایش و ابتلای جوانان به اعتیاد» پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جوانان ۱۸-۲۸ سال ساکن شهر یزد در قالب دو گروه معتاد و غیر معتاد بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه سبک اسنادی، استفاده به عمل آمد. در پایان مشخص شد که سبک تبیین جوانان معتاد برای وقایع خوشایند و ناخوشایند، بدبینانه‌تر از جوانان غیر معتاد است.

جعفر بوالهیری (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی مصرف مواد مخدر در زندان‌های ایران» به بررسی میزان شیوع مصرف مواد مخدر در بین زندانیان زندان‌های کشور پرداخته است. این پژوهش به صورت مطالعه کمی و کیفی و به روش مقطعی انجام گرفته است. مقایسه مصرف مواد مخدر در قبل و بعد از ورود به زندان، رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد. در مورد سلامت روانی مصرف‌کنندگان نیز ۱۲/۵٪ افراد سالم و ۸۷/۵٪ مشکوک به اختلال روانی بودند. بین مصرف مواد مخدر در زندان و اختلالات، شکایات جسمانی، وسواس و اجبار، افسردگی و روان‌پریشی رابطه معنی‌دار وجود دارد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش بیش‌ترین ماده مصرفی در زندان تریاک بوده است.

حسین محبوبی منش (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «اعتیاد مردان، تهدیدی علیه زن و خانواده»، به بررسی پیامدهای اعتیاد مردان در جامعه و خانواده می‌پردازد. وی اعتقاد دارد با توجه به اینکه مردان، اکثریت معتادان به مواد مخدر را تشکیل می‌دهند، در نقش همسر یا پدری معتاد تهدیدی جدی بر حیات فردی و خانوادگی زنان و آسیبی عمیق بر کیان خانواده محسوب می‌شوند. وی پیامدهای اعتیاد مردان را چنین برمی‌شمارد: پیامدهای فردی شامل

عوارض جسمانی، عوارض روانی، اختلالات رفتاری، پیامدهای خانوادگی شامل نابسامانی و فروپاشی خانواده، اختلال در روابط عاطفی و جنسی زوجین، معناد نمودن همسر، روسپی‌گری همسر، خشونت علیه زن، انتقال ایدز و اختلال در روابط پدر با فرزندان و پیامدهای اجتماعی شامل استهلاک سرمایه‌های اجتماعی و مادی، کاهش امنیت اخلاقی و اجتماعی، تضعیف اقتصادی، استحاله فرهنگی و استحاله سیاسی می‌داند.

۱-۲-۱. پیشینه تحقیق در خارج از کشور

۲

در زمینه «ارتباط آشفته‌گی خانواده و مصرف مواد مخدر» نیز فارو و برسینگ (۱۹۹۰) بر روی ۳۴۳ نوجوان دست به انجام یک تحقیق زدند. در نتیجه این پژوهش مشخص شد که کسانی که به مصرف زیاد الکل و مواد مخدر می‌پرداختند، اغلب دارای خانواده‌هایی با زمینه آشفته بودند. سیمونز و رابرتسون (۱۹۸۹) در یک آزمون با نمونه آماری ۳۴۳ نفر پسر که شامل افراد معتاد و غیر معتاد می‌شد به یک رابطه دو جانبه مشخص میان برخی شاخص‌های رفتاری والدین و وارد شدن فرزندان به گروه‌های منحرف هم سن و سال و در نهایت مصرف مواد مخدر پی‌بردند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، طرد فرزندان توسط والدین از اهمیت ویژه‌ای در گرایش فرزندان نسبت به گروه‌های منحرف هم سن برخوردار است. این محققان همچنین باور داشتند که طرد فرزندان توسط والدین، قابلیت اتکاء و اعتماد به نفس آنان را خدشه دار می‌نماید. بر اساس نتایج مطالعات بروک، نومرا و کوهن (۱۹۸۹) الکل‌های دائم الخمر (نوشندگانی که مصرف آن‌ها بالاتر از حد طبیعی است) و مصرف کنندگان مواد مخدر اغلب بیان می‌کنند که دارای تجارب سخت ناسازگاری و تعارض بین والدین و فقدان انسجام خانوادگی می‌باشند. همچنین تعارض کمتر در محیط خانواده و رابطه مناسب والد - فرزندی با مصرف کمتر مواد مخدر توسط نوجوانان مرتبط است. نتایج مطالعات ارفورد (۱۹۹۴) در خصوص «علل اعتیاد در میان دانشجویان در آمریکا» نشان می‌دهد که اکثر دانشجویانی که معتاد بودند دچار سرخوردگی‌های ساختاری و محیطی بودند. عدم رسیدگی به خواسته‌های عاطفی آنان توسط اجتماع از علل گرایش آنان به اعتیاد است.

^۱- Farrow
^۲- Brissing
^۳- Simons
^۴- Robertson
^۵- Brook
^۶- Nomura
^۷- Cohen
^۸- Orford

بوایل (۲۰۰۰) نیز در مطالعه‌ای به «بررسی وجود اعتیاد در خانواده و تأثیر آن بر روی آوردن افراد به اعتیاد» می‌پردازد. او اعتقاد دارد که برادر بزرگتر معتاد اثر بیشتری در سوق دادن نوجوانان و جوانان به اعتیاد دارد. هافمن و سربون (۲۰۰۲) نیز در مطالعات خود به «تأثیر اعتیاد والدین در گرایش افراد به اعتیاد» پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش آنان زمانی که والدین مواد مخدر مصرف می‌کنند احتمال بیش‌تری وجود دارد که فرزندان نیز معتاد گردند. طبق یافته‌های پژوهشی پیکو (۲۰۰۰)، خلاء عاطفی در روابط فرزندان با والدین به‌خصوص پدر از عوامل گرایش آنان به اعتیاد است. نازرول اسلام (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «سبک‌های جنسی زندگی و پایگاه اجتماعی معتادان در بنگلادش» به این نتیجه می‌رسد که معتادان جوان با تحصیلات متوسطه، درآمدهای پایین و متوسطی داشته و هم‌چنین شدت اعتیاد مردان متأهل بیش‌تر از مردان مجرد است. او در ادامه بر تأثیر معاشرت با دوستان معتاد در گرایش افراد به مواد مخدر می‌پردازد.

۱-۳. مبانی نظری پژوهش

تاکنون روان‌شناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان، محققان و متخصصان، تئوری‌های مختلفی را در ارتباط با پدیده اعتیاد ارائه داده‌اند. گروهی بر این عقیده‌اند که آمادگی روانی، شخصیت ناهنجار، بیماری‌های دردناک و صعب‌العلاج علت اصلی اعتیاد است، عده‌ای دیگر ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های موجود در خانواده و معاشرت با دوستان منحرف (گروه هم‌سالان) را علت اصلی اعتیاد فرد می‌دانند. گروهی دیگر علت اعتیاد را در اجتماع جستجو کرده و بحران‌ها و بی-سازمانی‌های اجتماعی را علت اصلی اعتیاد به مواد مخدر می‌دانند.

۱. نظریه‌های روان‌شناختی

بسیاری از روان‌شناسان انحراف را بر حسب نقص شخصیت توجیه می‌کنند؛ به این معنا که برخی از گونه‌های شخصیت بیش‌تر از گونه‌های دیگر به انحراف اجتماعی گرایش دارند. (کوئن، ۱۳۸۵: ۱۷۶). روان‌شناسان برای توضیح انواع کج‌روی‌ها اختلالات روانی و شخصیتی را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

- نقص فکری یا عقب‌ماندگی ذهنی.
- روان‌پریشی یا جنون.

1. Boyle

2. Hoffman

- اختلالات از نوع نژندی یا روان‌نژندی. (سخاوت، ۱۳۸۰: ۱۸).

زیگموند فروید در تحلیل روان‌کاوانه خود با بکارگیری مفاهیمی چون غرایز سکس و پرخاشگری، عقده ادیپ و هم‌چنین «نهاد»، «خود» و «فراخود» به‌عنوان عناصر اساسی ساختار شخصیت، استدلال کرده است که خلاف‌کاران، کسانی هستند که غرایز و تمایلات آن‌ها در دوران کودکی بویژه در سنین ۴ یا ۵ سالگی از سوی قواعد و فرهنگ حاکم بر خانواده و اجتماع، سرکوب شده و دچار عقده اودیپ شده‌اند؛ زیرا تمایلات شخصی افراد در ضمیر ناخودآگاه آن‌ها یعنی «نهاد» پیوسته در تلاش است که خود را بروز دهد و «فراخود» آگاهانه وظیفه دارد تمایلات شخص را جرح و تعدیل کرده، آن‌هایی را اجازه بروز می‌دهد که در سطح جامعه و فرهنگ مقبولیت داشته باشند و «خود» نیز جنبه کنترلی دارد. حال کسانی که دارای رفتار ناسازگارانه هستند، بدلیل این است که «فرا خود» از وظیفه خود غفلت ورزیده است. بنابراین به راحتی فرد می‌تواند اصول حاکم در جامعه و عزت نفس خود را زیر پا گذاشته و دست به رفتار انحرافی بزند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۳۸ - ۱۳۷). هورنای معتقد است شخص برای فرار از اضطراب ممکن است به انکار وجود آن به هر وسیله ممکن بپردازد که در این صورت شخص با آگاهی و اصرار گرایش به انجام رفتارهای انحرافی از قبیل مصرف الکل و مواد مخدر پیدا می‌کند. ویلکر نیز معتقد است که فرد معتاد قادر به حل مشکلات خود نیست و نمی‌تواند درگیری‌های عاطفی خود را به صورت مورد پسند حل کند. بنابراین به مواد مخدر روی می‌آورد (شایسته، ۱۳۷۵: ۲۳). از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، تبیین‌های روان‌شناسی رفتار انحرافی مورد تردید و انتقاد دانشمندان به ویژه جامعه‌شناسان قرار گرفت. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که این قبیل نظریه‌ها، عوامل اجتماعی و فرهنگی را در تبیین انحرافات نادیده می‌گیرند. هم‌چنین در روش مطالعات روان‌شناختی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. در میان روان‌شناسان توافق ناچیزی در مورد علل تشکیل دهنده سلامت ذهن و چگونگی سنجش ویژگی‌های شخصیتی وجود دارد. از سوی دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان، اولویت دادن به تجارب دوران کودکی را مردود می‌دانند، زیرا این برداشت سبب می‌شود که تأثیر و نفوذ شمار کثیری از عوامل اجتماعی که بر رفتار در طول زمان اثر می‌گذارد، نادیده گرفته شود (شومیکر، ۱۹۹۰: ۲۹۱ به نقل از غلامی آبیژ، ۱۳۸۲: ۴۲). از سوی دیگر از آن‌جایی که مسائل اجتماعی، پدیده‌هایی چند بعدی و پیچیده هستند، عوامل روان‌شناسی و فردی نمی‌تواند عامل بروز و گرایش افراد به بزه‌کاری باشد. لذا تبیین این مسائل از دیدگاه روان‌شناسانه اگر چه لازم است ولی کافی نیست. چه‌بسا ممکن است

ایجاد اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، اختلال روانی و... ناشی از محیط خانوادگی و اجتماعی فرد باشد (قریشی نژاد، ۱۳۷۹: ۲۷).

۱-۲. رویکردهای جامعه‌شناختی

در این دیدگاه گفته می‌شود که هر نظام اجتماعی قوت‌ها و ضعف‌های خاص خودش را دارد. نظام‌های اجتماعی پیشین، نقاط قوت و در عین حال نقاط ضعفی داشتند. نظام‌هایی که بر اطاعت بی‌چون و چرا از سلسله مراتب اقتدار سنتی مبتنی بود و در آن روح جمع‌گرایی غلبه داشت، از جهات فراوانی مثبت بود و خلاء عاطفی و انسانی در آن کمتر بود، اما در عین حال تحرک اجتماعی زیاد، پویایی و نوآوری گسترده و نیز آزادی‌های فردی در آن در حداقل بود. نظام‌های اجتماعی جدید، از تحرک اجتماعی رو به تزاید، پویایی، نوآوری و آزادی‌های فردی پرمایه برخوردارند. اما در مقابل مشکلات خاص خود را نیز دارند. به هر حال هر ساختار اجتماعی و فرهنگی خاص، انواع خاصی از مسائل اجتماعی را به همراه دارد. در این دیدگاه مسائل اجتماعی، ابعاد و پیامدهای ناخواسته، غیر مستقیم و پیش‌بینی نشده الگوهای جدید رفتار و نظام اجتماعی‌اند؛ به دیگر سخن، مسائل اجتماعی هزینه‌های اجتماعی سازمان خاصی از زندگی اجتماعی‌اند. در واقع اگر بپذیریم که مدرنیسم و الگوهای مدرن شده زندگی اجتماعی برای جوامع ارمغان‌های زیادی داشته است و رفاه، آسایش و تحرک اجتماعی و آزادی‌های فردی را در جوامع گسترش داده است، تلویحاً باید هزینه‌های این پیشرفت را نیز بپردازیم. مسائل اجتماعی عصر ما هزینه‌هایی است که ما باید برای اتخاذ الگوهای مدرن در جامعه خویش در نظر بگیریم؛ یا الگوهای سنتی زندگی اجتماعی را در پیش گیریم و از مزایای پیشرفت در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی محروم شویم و در عوض مشکلات اجتماعی زندگی معاصر را نداشته باشیم و یا با جایگزین کردن ساختار اقتصادی، اجتماعی مدرن از زندگی نسبتاً مرفه و آزاد برخوردار شویم، اما تاوان آن را با شیوع مسائل اجتماعی جدید، بپردازیم (معیدفر، ۱۳۸۵: ۲۴۳).

۴. تئوری محرومیت نسبی

جرم‌شناسان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف هم تولید فشار می‌نماید و هم باعث افزایش میزان جرم در آن‌ها می‌شود. به خاطر این‌که شکاف عمده بین فقیر و غنی، کینه‌توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود. در جوامعی که در آن‌ها نابرابری درآمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد می‌گردد. روان‌شناسان یادآوری کرده‌اند که تحت این شرایط مردان جوان نسبت به وضعیت خود

نگران خواهند شد، در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند حسادت خواهند ورزید. چنانچه آن‌ها نسبت به استفاده از شیوه‌های پرخاشگرانه و مخاطره آمیز در رقابت‌های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کم‌تری برای موفقیت‌های آینده خواهند داشت. به همین خاطر اکثر این افراد مرتکب جرم و خشونت می‌شوند. این فرآیند تحت عنوان تئوری محرومیت نسبی بیان گردیده است. مفهوم محرومیت نسبی توسط جامعه‌شناسان جودیس بلاو و پیتر بلاو (۱۹۸۲) مطرح شده است. آن‌ها مفاهیمی را از تئوری آنومی با مفاهیمی که در مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی یافت شده است، ترکیب کرده‌اند. بر طبق نظر آن‌ها، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آن‌ها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آن‌ها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۴).

۳-۱. نظریه‌های خرده فرهنگ

نظریه‌های خرده فرهنگی به تبیین این‌که چگونه مردم با زندگی در محلات بی‌سازمان نسبت به انزوای اجتماعی و محرومیت اقتصادی واکنش نشان می‌دهند، پرداخته‌اند. به خاطر تحلیل رفتگی سبک زندگی، ناکامی و افسردگی اعضای طبقات پایین تر جامعه یک خرده فرهنگ مستقلی را با مجموعه قوانین و ارزش‌های خودی ایجاد می‌کنند. در حالی که فرهنگ طبقات متوسط بر تلاش و کوشش زیاد، به تأخیر انداختن ارضاء نیازها و آموزش رسمی تأکید دارد، خرده فرهنگ طبقات پایین تر به هیجان‌ات، قلدری، ریسک کردن، شجاعت و ارضاء فوری نیازها تأکید می‌نماید. هنجارهای خرده فرهنگی اغلب با ارزش‌های متداول جامعه تضاد پیدا می‌کند، به خاطر این‌که افراد فقیر شهری دریافته‌اند که از عهده تقاضاهای رفتاری طبقه متوسط جامعه برآمدن غیر ممکن است. در نتیجه ساکنان محلات فقیرنشین مجبور می‌شوند قانون را زیر پا بگذارند و از قوانین فرهنگ کچرو پیروی نمایند (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۹). این نظریه بر بزهکاری جوانان متمرکز شده و در یک تحلیل جامعه‌شناختی، بزهکاری جوانان را برحسب ویژگی‌های خرده فرهنگی آن‌ها مانند ارزش‌ها، باورها، عادات و شیوه‌های زندگی مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله کوهن (۱۹۵۵)، کلووارد و اوهلین^۱ (۱۹۶۰) ماتزا (۱۹۶۴) و میلر (۱۹۷۵) معتقدند

^۱ Cohen

Cloward

که توجه به خرده فرهنگ‌ها در تبیین بزهکاری جوانان از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا جوامع مدرن با خرده فرهنگ‌های متفاوت ساخته شده‌اند و رفتاری که در یک جایگاه خرده فرهنگی خاص به‌عنوان رفتار به‌نجار شناخته شده است، ممکن است در جایگاه خرده فرهنگی دیگر به‌عنوان رفتار انحرافی در نظر گرفته شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۷۷).

۴

۳-۲. نظریه پیوند افتراقی

این رویکرد توسط ادوین ساترلند برای نخستین بار در سال ۱۹۳۹ و در نخستین ویرایش‌های کتاب او به نام اصول جرم‌شناسی مطرح شد. وی آن را به تدریج و به هم‌کاری دونالد کرسی، در ویرایش‌های بعدی کتاب یاد شده، کامل نمود. نظریه پیوند افتراقی بر این نکته تأکید دارد که نزدیکی که بزه‌کار باشند تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزه‌کاری می‌گذارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. نظریه پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزه‌کاری را در نظر دارد و فرد بزه‌کار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه اش با خانواده، محله، رفا و مصاحبان در نظر می‌گیرد (مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۱). ساترلند درباره چگونگی انتقال فرهنگی کج‌روی اظهار می‌دارد که کج‌روی از طریق یک گروه جریان ارتباطات اجتماعی حاصل می‌شود که در واقع اصطلاح «یار بد» را زنده می‌کند (عدل، ۱۳۸۳: ۳۲۴). نظریه ساترلند شامل ۹ خصیصه به قرار زیر است:

۱- عمل مجرمان آموختنی است، نه موروثی. یعنی تا فرد آن را نیاموزد به فکر انجام دادن آن نمی‌افتد.

۲- آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد صورت می‌گیرد و عموماً به صورت شفاهی و به کمک کلمات است و فقط در برخی موارد ممکن است از طریق حرکات چهره و قیافه انجام گیرد.

۳- بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد.

۴- آموزش عمل مجرمان مراحل مختلفی دارد. الف: فنون ارتکاب جرم که گاه پیچیده و گاه ساده است. ب: جهت دادن به انگیزه‌ها، گرایش‌ها، کشش‌های درونی و توجیه عمل مجرمانه.

۱. Ohline

۲. Matza

۳. Miller

۴. Differential association theory

۵. Bad companion

۵- کسب انگیزه‌ها و میل به ابراز کشش‌های درونی آموختنی است. همه مردم جامعه نظر مطلوب نسبت به رعایت هنجارهای حقوقی ندارند. در برخی موارد فرد با گروهی در ارتباط است که هنجارهای حقوقی برای اعضای آن مطلوب است و گاه فرد در محیطی زندگی می‌کند که افراد نزدیک به او مخالف اطاعت از آن قواعد هستند.

۶- زمانی فرد به عمل بزه‌کارانه دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده‌اند بیش‌تر از کسانی است که با شکستن قاعده مخالف‌اند. این بند در واقع اساس نظریه ساترلند است و به ارتباط فرد بزه‌کار و غیر بزه‌کاران اشاره می‌کند. به عبارت دیگر براساس این نظریه روابط فرد با دیگران هنگامی که به مسئله جرم ارتباطی ندارد و تا زمانی که با کار جرم آمیز پیوستگی نکند، اثری در ایجاد رفتار مجرمانه ندارد (سخاوت، ۱۳۸۵: ۵۵-۵۶).

۷- فراوانی معاشرت از نظر دفعات وقوع، مدت، ارجحیت و شدت می‌تواند متفاوت باشد. یعنی میزان معاشرت فرد با افراد کج‌رفتار در مقابل افراد به‌هنجار مورد نظر است. فراوانی و مدت زمان معاشرت بسیار با اهمیت‌اند. ارجحیت با اهمیت است از این نظر که اگر رفتار موافق رعایت قانون در کودکی آموخته شود، فرد در وضعیتی متفاوت با کسی قرار دارد که از ابتدا به عدم رعایت قانون تشویق شده است. ارجحیت و شدت به منزلت معاشر، به اهمیت الگوی رفتار و میزان درگیری عاطفی فرد با آن مربوط می‌شود.

۸- جریان یادگیری رفتار کج‌روانه از طریق معاشرت شامل تمام مکانیسم‌های یادگیری می‌شود که برای هر رفتار دیگری ضروری است. منظور این است که یادگیری کج‌روی تنها شامل تقلید نمی‌شود و عمیق‌تر از آن است.

۹- در حالی که کج‌رفتاری بیان نیازها و ارزش‌های کلی است، نمی‌تواند از طریق همان نیازها و ارزش‌ها توجیه شود. زیرا رفتار به‌هنجار هم بیان نیازها و ارزش‌ها است. کوشش بعضی محققین برای تبیین کج‌رفتاری از طریق نیازها و ارزش‌ها مانند اصل خوشحالی، به دنبال منزلت بودن، انگیزه پولی و یا تحت فشار قرار گرفتن نمی‌تواند کج‌رفتاری را تبیین کند. زیرا این انگیزه‌ها و گرایش‌ها در رفتارهای به‌هنجار هم وجود دارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۲).

نظریه ساترلند یکی از قوی‌ترین نظریه‌ها در زمینه پیدایش انحرافات است که تا به امروز قدرت تبیین زیادی دارد. ساترلند در قالب نظریه‌اش معتقد بود که انحرافات عموماً در قالب گروه‌های نخستین، نظیر گروه دوستان یا خانواده آموخته می‌شود. این گروه‌ها بسیار متنفذتر از مأمورین و مسئولین رسمی مانند: معلمان، کشیشان، افراد پلیس یا ابزارهای ارتباط جمعی نظیر فیلم و

روزنامه می‌باشند. از نظر ساترلند فرآیند یادگیری رفتار بزهکارانه شامل تکنیک‌های تبهکاری، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و دلیل تراشی‌های لازم برای آن می‌شود. بدین ترتیب یک جوان هم می‌آموزد که چگونه با موفقیت دزدی کند و هم چگونه استدلال بیاورد تا دزدی خود را توجیه کند و برای آن عذر بیاورد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۵۲). بر اساس این دیدگاه در ایران تحقیقات مختلفی انجام گرفته است و معاشرت با نزدیکان، همکاران و به‌ویژه دوستان معتاد و منحرف، تقلید از اطرافیان، معاشرت در محیط‌های ناسالم و گوناگون از جمله مدرسه و محیط‌های آموزشی نامطلوب از جمله عوامل اصلی اعتیاد به مواد مخدر ذکر شده است (کرم پور، ۱۳۷۹: ۳۲-۳۴).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در طول دو دهه اخیر، عمده منابع، امکانات، فرصت‌ها و تلاش‌ها، در راستای استراتژی برخورد با مواد مخدر متمرکز گردید و این استراتژی دو پیامد عمده داشت. از یک سو منجر به افزایش تعداد دستگیری‌ها، زندانیان مواد مخدر، کشفیات مواد مخدر، درگیری‌ها، گروگان‌گیری‌ها و... گردید و از سوی دیگر به افزایش تعداد معتادان و کاهش سن اعتیاد منجر گشت. لذا به نظر می‌رسد ضروری است با اتخاذ استراتژی سه جانبه ذیل از منابع موجود به طور عقلانی استفاده شود. راهبرد عملی در هر سه عرصه مذکور به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- مقابله با عرضه مواد مخدر

- حمایت از پلیس ویژه مبارزه با مواد مخدر و آموزش و تجهیز مناسب آن.
- جلب حمایت کشورهای اروپائی مصرف‌کننده مواد مخدر برای اختصاص اعتبار جهت کنترل مواد مخدر در کشور خود و انجام عملیات کشت جایگزین در افغانستان.
- نقد و نظارت مستمر بر عملکرد و مدیریت سازمان‌های ذی ربط در امر مبارزه با مواد مخدر و عدم اکتفا به رویکرد محض نیروی انتظامی.

۲- کاهش تقاضای مواد مخدر

- اتخاذ و ترویج رویکرد فرهنگی و اجتماعی در مقابله با پدیده اعتیاد به مواد مخدر و ایجاد تغییرات و اصلاحات ساختاری در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای کنترل عوامل کلان اعتیاد در جامعه.
- گسترش و عملیاتی کردن طرح‌های ضربتی اشتغال و کاهش نرخ بی‌کاری در جامعه.
- تأسیس پژوهش‌گاه ویژه اعتیاد و کاهش تقاضای مواد مخدر.

- ایجاد مراکز مشاوره و نجات در محلات، ادارات، پارک ها، ایستگاه‌های راه آهن، پایانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و پادگان‌ها به طور شبانه روزی با استفاده از کارشناسان مجرب در حوزه‌های علمی.

- فراهم نمودن تمهیدات لازم برای کاهش احساس محرومیت نسبی در جامعه.

- تلاش برای کاهش فاصله میان انتظارات مردم با امکانات جامعه، به عبارت بهتر از یک سو می‌توان در تعیین اهداف اجتماعی بازنگری کرد و اهدافی را در نظر گرفت که متناسب با شرایط و امکانات جامعه باشد. بهبود شرایط و امکانات موجود جامعه و نیز تعدیل در مقررات و قواعد و تدوین خط مشی‌هایی برای عدالت اجتماعی در دسترسی به امکانات، راه حل دیگری است که امکان موفقیت آن بیشتر است. چرا که دولت‌ها امروزه برای حل مسایل و بحران‌های اجتماعی چاره‌ای جز توسعه متعادل و پایدار به منظور بسط امکانات و فرصت‌های ارتقاء اجتماعی ندارند.

- توزیع عادلانه امکانات و خدمات موجود در جامعه و استفاده برابر تمامی اعضای جامعه از فرصت‌های مشروع می‌تواند گامی در جهت مقابله با کج‌روی‌های اجتماعی مثل اعتیاد باشد. تا هنگامی که بخش عظیمی از جامعه از حداقل امکانات اقتصادی زندگی محروم هستند، چگونه می‌توان انتظار کاهش انحرافات و بزهکاری‌های اجتماعی را داشت. وجود رانت‌های عظیم اقتصادی، فرصت‌ها و راه‌های نامشروع رسیدن به ثروت و موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی بدون تحمل کمترین زحمت و کسب ثروت‌های باد آورده می‌تواند عامل مهمی در برانگیختن افراد به ارتکاب انحرافات اجتماعی باشد. تأکید بر اهمیت کار و تلاش فردی جهت رسیدن به موقعیت‌های بالای اجتماعی و اقتصادی و مقابله با فرصت‌های نامشروع می‌تواند گامی مؤثر در راستای ایجاد جامعه‌ای پویا و متعادل باشد.

- کنترل مهاجرت از روستا به شهر و جذب افراد حاشیه‌ای و جدا شده از متن جامعه.

- فعال نمودن و گسترش سازمان‌های غیر دولتی برای مبارزه با اعتیاد.

- از بین بردن ریشه‌های فساد و تبعیض برای ایجاد احساس عدالت در میان مردم.

- ایجاد زمینه مشارکت اجتماعی و سیاسی جوانان و جلب اعتماد آنان به نظام سیاسی.

- غنی سازی اوقات فراغت جوانان و گسترش امکانات رفاهی، آموزشی و تفریحی برای جوانان.

- تغییر شیوه‌های آموزش ارزش‌ها و اعتقادات دینی و بکارگیری شیوه‌های نوین

- آگاه‌سازی معلمان از طریق کارگاه‌های آموزشی برای ایجاد رابطه عاطفی با دانش آموزان و القای قدرت تصمیم‌گیری، ایجاد روحیه، عزت نفس و... در دانش آموزان.

- افزایش سطح آگاهی والدین نسبت به خصوصیات، نیازها و خواسته های جوان امروز و تعمیق ارتباط عاطفی و عقلانی والدین با فرزندانشان و پرهیز از « زورگویی»، «سرخوردگی فرزندان» و اختلافات زناشویی و...
- جایگزینی رویکرد فرهنگی، درمانی و جبرانی به جای رویکرد قهری و انتظامی.
- تجدید نظر در شیوه های رایج بازپروری و تأکید بیشتر بر نقش مددکاران اجتماعی در توان-بخشی معتادان.
- گسترش، تقویت و تجهیز مراکز بازپروری در سطح کشور جهت سرویس دهی کیفی و کاهش زمان نوبت دهی به معتادان درمان جو و حذف تشریفات اداری و بوروکراسی زائد و امکان بستری شدن مددجویان برای حداقل یک الی دو سال، خصوصاً در مراکز اجتماع درمان .
- گسترش روش های گروه درمانی، خانواده درمانی، کار درمانی و مذهب درمانی معتادان مددجو.

فهرست منابع

- آقابخشی، حبیب (۱۳۷۹). اثرات اعتیاد پدر بر کارکردهای خانواده، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۰.
- بوالهروی، جعفر (۱۳۸۲). ارزیابی سوءمصرف مواد مخدر در زندان‌های ایران، فصل‌نامه علمی، پژوهشی سوءمصرف مواد، سال اول شماره ۳.
- حاج حسینی، منصوره و اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲). مقایسه سبک اسناد در جوانان معتاد و غیر معتاد شهر یزد، فصل‌نامه اعتیاد پژوهی، سال اول، شماره ۳.
- شهیدی، محمدحسن (۱۳۷۵). مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- صادقی اهری، سعید (۱۳۷۹). بررسی علل بازگشت مجدد به اعتیاد در بیماران مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد وابسته به بهزیستی، فصل‌نامه اعتیاد پژوهی، سال اول، شماره ۲.
- صالحی جونقانی، فرحناز (۱۳۷۹). بررسی تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر اعتیاد، مطالعه موردی: زندان شهر کرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- عبدی، کافیه (۱۳۸۰). عوامل اعتیاد در میان حاشیه‌نشین‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- غلامی آبیز، محسن (۱۳۸۱). بررسی علل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر اعتیاد؛ مطالعه موردی اردوگاه پیرینان شهر شیراز، فصل‌نامه علمی، پژوهشی سوءمصرف مواد، سال دوم، شماره ۵.
- قریشی نژاد، رقیه (۱۳۷۹). بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی معتادان به مواد مخدر با افراد عادی در شهرستان قزوین، ژرفای تربیت، سال دوم، شماره ۱۷.
- کرم‌پور، رضا (۱۳۷۹). ارزیابی تحقیقات انجام گرفته در خصوص اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ستاد مبارزه با مواد مخدر، ژرفای تربیت، سال دوم، شماره ۵.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۲). آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر، فصل‌نامه علمی، پژوهشی سوءمصرف مواد، سال دوم، شماره ۵.
- کوئن، بروس (۱۳۷۳). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل: تهران انتشارات سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی دانشگاه تهران.

- محبوبی منش، حسین (۱۳۸۲). اعتیاد مردان، تهدیدی علیه زن و خانواده، فصل نامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، سال ششم، شماره ۲.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هاشمی، علی (۱۳۸۳). نگاه نو، اقدام نو در مبارزه با مواد مخدر، ریاست جمهوری ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- شایسته، سیاوش (۱۳۷۵). مقایسه شخصیتی جوانان معتاد به مواد مخدر و جوانان عادی در گروه سنی ۱۴-۲۲ سال در استان اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- Brissing, Peter, Farrow. JA (1990) a new look at gender difference in drinking and driving in flunkies experiences and attitudes among new among new adolescent drivers. Health Education & Behavior, Vol. 17, No 2.
- Islam,SK. Nazrul and et al (2000).« sexual life style ,Drug habit and socio-demographic status of Drug Addict in Bangladesh». Public Health, vol.114, N.5.